

ماهیت امپریالیستی اتحاد شوروی

۸۶

توفان

ارگان مازانباریستی توفان

دربار، سوداگر مواد مخدر

از سال ۱۳۴۸ که دولت ایران دربار کشت خشکشان را معقول داشت و برای نظارت بر آن قانونی وضع کرد، قانونی که برای متخلفین شدیدترین مجازاتها را در نظر میگرفت. تا اوایل سال جاری بنا بر آمار رسمی یکصد و پنجاه نفر قاچاقچی مواد مخدره فقط به اعدام محکوم شده اند و حکم در مورد آنها اجرا شده است. در سال جاری نیز به شهادت صغها مطبوعات ایران گاه گاه به احکام اعدام و یا سه نفر یا بیشتر که به قاچاق مواد مخدره دست زده اند، پی میخوریم. ششاد و دولتی با این اقدامات خود به افکار عمومی جهان این گونه وانمود میکند که گویا تهرمان مبارزه با مواد مخدره فایده اما نتیجه ای که حاصل آمده اینست که نه از قاچاق مواد مخدره جلوگیری بعمل آمده و نه از تعداد مجتازان به مواد مخدر کاسته شده است. برعکس قاچاق مواد مخدره همچنان ادامه دارد و روز بروز بر تعداد معتادان میفزاید و این افزایش به اندازه ای است که روزنامه های ایران رنگ خطر را بصد در آورده اند.

انواع مواد مخدر از تریاک تا هروئین به گونه و کثرت ایران راه مییابد و در شهرها و روستاها دست به دست میگرد و برنده معتادین ایران میفزاید (اطلاعات ۵ شهریور ۵۳). میزان اعتیاد به تریاک در جامعه مادیونی گرفتار است تا جایی که قبح این اعتیاد از میان رفته و بساط منقل و دود و دم از سوئال پذیرائی - بویژه در میان اغنیاء - به حساب میآید. (اطلاعات ۲۸ اردیبهشت ۵۳) علی آرمایش استاد دانشگاه جرم شناسی در دانشگاه تهران ضمن سخنرانی اظهار داشت که مجازات اعدام در ایران باعث تشدید قاچاقچیکری شده است (اطلاعات ۱۱ خرداد ۵۳). این واقعیت عده ای را بر آن داشته که از "شکست سیاست دولت" در مبارزه با مواد مخدر سخن بمیان آورند. مثل اینکه شاه و دولتی از نظارت بر کشت خشکشان و اعدام و زندان قاچاقچیان و واقعا سیاست مبارزه با مواد مخدر را در نظر داشته اند.

دربار ایران دیری است بر آن سوداگری و قاچاق مواد مخدر است. رسوایی ها که خاندان پهلوی در سوئیس بیار آورده جای تردید برای هیچکس باقی نمانده. خسود هویا که امروز نخست وزیر ایران است در سال ۳۴۵۰ موقعی که دبیر اول سفارت ایران در پاریس بود به جرم قاچاق مواد مخدر از طرف پلیس فرانسه توقیف گردید. آیا غریب نیست چنین مردمان فاسدی که بمایه طولانی در قاچاق مواد مخدر دارند سنگ مبارزه با این مواد را به سینه میکنند؟ آیا چنین مردمان فاسدی میتوانند قصد مبارزه با مواد مخدر را در سر داشته باشند؟ دولت ایران مدعی است که بقیه در صفحه ۲

هنه گفته مانور را تکرار میکنند. ۲. در اینصورت این سؤال پیش میآید که چرا خلق ها به تبلیغات عظیم شوروی و به تبلیغات ستون پنجم آن در سراسر جهان که با حرارت شوروی را بخوبی کشور "سوسیالیستی" و "پار ویاور" خلق ها معرفی میکنند کوشش فراترند. هند؟ آیا اینها همان نیست این خیره فکر که گویا کافی است ما فهمیم ابر قدرت و سوسیال امپریالیسم را در اطاق در بسته از ذهن خود بیرون بکنند و عنوان کنند "سراسر جهان" همه بیکار آنها بقایند و بکنند. آواز تهنید آیا اساسا در واقع منطق بار این ادعا هست؟ آیا این تهنیدی به خلق های جهان نیست که گویا از خود صاحب راضی نیستند. به واقعیت توجه ندارند و به دنبال افراد میروند. ۳. در اینصورت چرا بدین حال برخورد و برخورد "شوروی" ۴. رژیم شاه هم زمانی در مبارزه با کفکراش و جنبش دانشجویی از همین "منطق" غیبت میکرد که گویا دانشجویان خارج از کشور بر "بیشترند" های عظیم کشور در پیش و قوف ندارند و در روزه های تحریف بزرگ را ندیده اند و آلت دست معدودی "خرابکار و بیگانه" اما واقعیت غیر از این است. مردم جهان با تجربه خود ماهیت استعماری اتحاد شوروی را دریافته اند و دریافته اند و این واقعیت بی میزند که تا وقت واقعی را بیان کرده است. درک خلق ها از سرشت شوروی مشابه "سوسیال امپریالیسم" و ابر قدرت و از مظاهر سیاست داخلی و خارجی آن بر میخیزند. مارکسیست لنینیست ها این واقعیت را فقط اغفاء میکنند و عزیزان در معرض دید همگان میگردانند. مفاهیم ابر قدرت و سوسیال امپریالیسم در خود اتحاد شوروی خوابیده است و واقعیت آشکار است و آن نیست همین واقعیت روزی نیست ها را و از آن کرده است که در قسمتی به عقب نشینی دست زنند. راهی شوروی بیگانه ایران مفهوم ابر قدرت در شوروی پذیرفته و بر آن است که بشریت باید سرور و شان مان باشد از اینکه اتحاد شوروی ابر قدرت است چرا؟ برای آنکه شوروی گویا سوسیالیستی است و ابر قدرت بودن آنها بقیه در صفحه ۲

این واقعیت که چهره زشت و نامیوس امپریالیسم شوروی هتواره بین از پیش در معرض دید جهانیان قرار میگردد و روزی نیست های ایرانی را بدست و پا انداخته است. آنها البته به عیب این در و آن در میزنند که روی سیاه را با آن کرملین را سفید گردانند. میگویند با انواع خیل و شغله ها واقعیت را تحریف کنند. آخرین را فرشته و دشمن زانوست بنمایانند. آنها برای تخطئه واقعیت نخست به این حرفه میزنند و رنگ زده توسل میجویند که مفاهیم ابر قدرت و سوسیال امپریالیسم ساخته و پرداخته ناموس است و واقعیت ندارد و گویا "ماقویست ها" طوطی ضحکناظ به تکرار گفته میگردانند. البته اگر شناخت ماهیت شوروی مشابه ابر قدرت و سوسیال امپریالیسم منحصر به "ماقویست ها" بود روزی نیست ها این اندازه وسعت زده و سراسیمه نمیشدند. سخن بر سر اینست که این مفاهیم آنچنان در انهمان خلق ها ریشه دوانیده و میرواند که برای سوسیال امپریالیسم شوروی تکراری آرواست. امروز خلق های جهان اتحاد شوروی را بمثابة امپریالیسم می شناسند و از نزدیک طبامع و شیوه های نوساختار و آنرا با تجربه خود لمس کرده اند. این واقعیت است که در طبوعات سراسر جهان در تمام بین المللی نظیر انداز است. در اینجا مجال آن نیست که شواهدی (شواهد بی پایان) از طبوعات سراسر جهان ارائه کرد. فقط شاید بتوان این نکته را ذکر کرد که در کفران کشورهای غیر متضد در الجزیره نمایندگان زیادی در تالار کنگرته و در خارج از آن اتحاد شوروی را بمثابة ابر قدرت و سیاست آرا بنمایند. سیاست امپریالیستی محکوم کردند. بطوریکه فیدل کاسترو وی "غیر متضد" برآشته و بر افروخته مجبور شد به دفاع از این خود برخیزد. چنین پدیده های در تاریخ جنبش کشورهای غیر متضد میبایست است. آیا خلق های جهان نیز وقتی از شوروی مشابه ابر قدرت و سوسیال امپریالیسم یاد میکنند از یکن دشمن میگویند

خرابکاری رویونیست ها

رژیم بحساب آورده است و بنابراین بطور سرفاله از شوروی واقعا انقلابی این سازمانها نیستند. در مورد جریحه ای ایران موضوع روشن تر است. "جبهه ملی" با آنها هیچگاه سر تا سر کارایی نداشته که اکنون صحبت بر سر وحدت با آنها باشد. بنابراین باقی میماند رویونیست ها و مقصود سرب مقاله از کام برداشتن "بخش های مهمی از وابستگی جبهه ملی" در جهت وحدت با "شروه های واقعا انقلابی" جبهه ملی جز "یافتن زبان مشترک" "جبهه ملی" با رویونیست ها نیست. البته این "بخش های مهم وابستگی به جبهه ملی" بیشتر در قبال این سرفاله نظری ایران نه انسته اند. ولی از قرآن پیدا است که توافق هایی با رویونیست ها بر سر مسئله ای که برای آنها اهمیت حیاتی دارد یعنی مسئله شناختن اتحاد شوروی مشابه دوست خلق ها و مبارزه با جمهوری ثوادی چین حاصل آمده است. در اردوستان کمیته مرکزی شانمان است از اینکه "جبهه ملی" را با خود هند استان ساخته و در نتیجه صفوف یکپارچه مبارزان خارج از کشور را برهم زده و مبارزه را تا حدودی قطع کرده است. رویونیست های ایرانی سالهاست در این زمینه مشغول فعالیت اند و در ترمین سال اخیر با اقدام عال جقی و خلق خود به اروپا باختری و به ایران فعالیت خرابکارانه خود را تشدید کرده اند. آنها سالهاست بر آرزوی آنند که گفتار رسین را به انت اجرای مقاصد مدنقلابی خود و انتخاب شوروی بدل کنند و اگر در این مقصود موفق نیافتند فعالیت آنها طبع کنند و در راه انحراف آن کام بردارند. آنها سالهاست در آرزوی آنند که در صفوف مبارزان پنجم طبقه برآکنند و مبارزه خارج از کشور را علیه رژیم ایران و سوسیال امپریالیسم تضعیف کنند. بقیه در صفحه ۲

مجله دنیا در مقاله شماره ۲ (مرداد ۱۳۵۳) از "کامیابی بزرگ" "شروه های انقلاب" صحبت میکند و این کامیابی را در "یافتن زبان مشترک" و "شناختن گردن هند مشترک" و "پیدا کردن زبان مشترک از دوستان و دشمنان" می بیند. در اینجا سخن ما بر سر این مسائل نیست. بحث در باره آنها را به موقع دیگر موقوف میکنیم. اما سرفالسه دنیا کمی یائینی ترمی افزاید: "این کامیابی بزرگی است که بخش های مهمی از وابستگی به جبهه ملی راه خود را بطور مشخص از راه گروه های ماقویستی جدا کرده و در جهت وحدت شوروی و واقعا انقلابی و سوسیالیستی سپهن ماکام بر میدارند. منظور سرفالسه از وحدت "بخش های مهمی از وابستگی به جبهه ملی" با "شروه های واقعا انقلابی" جبهه ملی جز نزدیک شدن "جبهه ملی" با رویونیست های حزب توده ایران نمیگواند باشد. زیرا که در همین سرفالسه "ماقویست های ایرانی" ... (مانند گردانندگان "توقان" "ستاره سرخ" و روزنامه "باصلاح" "کونیست") را با واقعیتی نظری که نویته آنها فقط در شاه ایران میتوان سزا کرد و مذاقعی

دژ سوسیالیسم در اروپا

مارکس و انگلس در ۱۸۴۸ در مانیفست نوشتند: "نیجی اروپا را فرا گرفته است، نیجی کونیسم" به روزی امید در اینت کپا خیانت رویونیستی کریبان خود را از آن رهانیده است، اما این "نیجی" در اروپا در اینجیم یافت. در این جمهوری تودای آلبا است و واقعیتی که امروز امپریالیست ها و سوسیالیست ها را بلرز در میآورد. اینکه دیکتاتوری پرولتاریا، اتحاد همه قشرهای استثمار شده سابق به کشور عیقا عقب بماند و یا بکنده ای که بزحمت به وطنی بالغ میگردد امکان میدهد که جامعه توی ساز و استشارا انسان از انسان را براندازد. این نویته ای است که کینه دیوانهوار همه مترجمین را از فانیست ها گرفته تا رویونیست ها بر می انگیزد. ساختمان سوسیالیسم بر آلهانی اثبات درخشان صحت مارکسیسم لنینیسم و خصلت مشخص و علی آن و همسنگی عسق طبقه کارگر تمام کشورها و جنبش کونیستی بین المللی است. (از "کلا رسه" ارگان حزب کونیست مارکسیست لنینیست پرولتار)

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با رویونیسم جدا نیست!

ماهیت... بقیه ارضه ۱
گویا بسود نیروهای سوسیالیستی... بسود بیرونی سوسیالیسم در سراسر جهان ایستاده...
بدین ترتیب آنها نیزیک تازه ریکاوری کرده اند. کسبه مفهوم ابرقدرت را از مفهوم امپریالیسم جدا کنند و در واقع ابر قدرت برآیندند: ابر قدرت امپریالیستی که آمریکا است و پایه آن با آن چنگید و ابر قدرت سوسیالیستی که اتحاد شوروی است و گویا باید به استقبال آن شتابد و با سلام و صلوات همیشه چیز کشور را به او تفویض کرد تا آزادی و استقلال و صلح و سوسیالیسم برقی و روانه و خلاصه همه چیز در اختیار همیشه قرار گیرد چنانکه بر کشورهای چکوسلوواکی، مغولستان و بلغارستان... قرار گرفته است!

روزیونیست ها با قبول ابر قدرت بودن اتحاد شوروی، اکنون در سنگر دفاع از "سوسیالیسم شوروی" موضع گرفته اند. آیا شوروی شوروی سوسیالیستی است یا امپریالیستی است که به سوسیالیسم تظاهر میکند و تظاهری به سوسیالیسم را وسیله نفوذ خود در کشورهای عقب مانده و تازه منبطع می نماید؟
روزیونیست ها در وهله اول برای رد ماهیت امپریالیستی اتحاد شوروی به لنین مراجعه می کنند و رسماً توصیه میکنند که اثر امپریالیسم لنینی "امپریالیسم در مرحله عالی" سرمایه داری را بخوانیم. استناد آنها به این اثر برای تلقین این اندیشه است که گویا امپریالیسم فقط از پلین سرمایه داری آزاد میرون میاید و پایه اقتصادی آنند انحصار سرمایه داری است. بدون انحصار سرمایه داری یعنی هم از امپریالیسم نمیتواند پیمان آید. و سپس از این نتیجه میگیرند که امپریالیسم نتیجه تکامل سرمایه داری است و سوسیالیسم امپریالیسم نمی آید.

اما لنین در اثر خود این نکته را روشن میکند که چگونه سرمایه داری آزاد، ناگزیر در تکامل خود به انحصارها و به امپریالیسم منتهی میشود و چگونه انحصارها همیشه به دولت بورژوازی در پی میزند و دولت بورژوازی را به تبعیت کامل از انحصارها در میاورند یعنی چگونه سرمایه داری - انحصاری دولتی موجود میاید... زاین اثر هرگز این نتیجه بر نمیاید که امپریالیسم از مبدأ سوسیالیسم از انحطاط آن نمیتواند برخیزد. برعکس لنین همواره تخطیر بازگشت سوسیالیسم را به سرمایه داری گوشزد کرده و حزب دولت شوروی را از آن بزرگترین آتش نشانی لنین می آموزد که در دوران انقلاب سرمایه داری که کوشش در دولت آن کشور و با کمازوری و بیگاری نیست برای استثمارگران ناگزیر آید بازگشت باقی نماند و این آئین به تلاش برای بازگشت استیجاب... لنین توضیح میدهد که پس از پیروزی انقلاب چگونه بورژوازی با نیروی تازه برابر میگردند... بهترین راه رفتن را باز کردن است.

استالین بنویس خود نه تنها بازگشت سرمایه داری را نفی نمیکند برعکس آنرا با قوت متذکر میشود: "امپریالیسم در ایران... در کشور شوروی ما شرایط مقدماتی که ایجاد آمیز (احیا) سرمایه داری را ممکن گردانده و در آن آری وجود دارد. این امر ممکن است عجیب بنظر آید و معذک و اطمینان است... معنی اینها همه چیست؟ معنی آن اینست که چنانچه راه بازگشت سرمایه داری مسدود نکرد. سوسیالیسم قهراً بر خواهد گشت و به استقرار نظام کمپنه خواهد انجامید در مورد اتحاد شوروی درست همین بازگشت به قهراً از پیروزی و شوروی به نظام کمپنه سرمایه داری بازگشته است. باید اضافه کرد که در طول بیش از سی سال رژیم سوسیالیستی، نیروهای تولیدی در تکامل خود جنبش بزرگی به جلو کرده و همه آنها در دست دولت متمرکز گردیده اند. در اتحاد شوروی پس از بزرگ استالین بر اثر خیانت سران حزب دولت شوروی نظام سرمایه داری احیا شد که ناگزیر در مرحله عالی تکامل خود یعنی سرمایه داری انحصاری دولتی است و این سرمایه داری انحصاری دولتی به شدت متمرکز چیزی جز یک امپریالیسم نیرومند نمیتواند باشد با تمام جلوه های که از ماهیت امپریالیستی آن سرچشمه میگیرد. تفاوت این امپریالیسم با امپریالیسم غرب فقط در پوشانیدن چهره خود با نقاب سوسیالیسم است.

خرابکاری... بقیه ارضه ۱
آنها سالهاست در آرزوی آنند که جنبش مارکسیست - لنینیست ایران را که هر روز بر نفوذ مادی و معنوی آن می افزاید به شکست و ناگامی بکشانند. "یافتن زبان مشترک" با "جبهه ملی" که از یکی دو سال پیش آغاز شده و "جبهه ملی" نیز متأسفانه به آن روی خوش نشان داده و بدین نایل مقاصد آنها روان گردیده. راه خرابکاری را برای آنان صاف و هموار ساخته است. بیپسوده نیست که سرمقاله مجله دسا "یافتن زبان مشترک" را تهنیت میگوید و ابراز اطمینان میکند که این "یوند روشن بینی" همه نیروهای انقلابی میهن ما را در پی خواهد گرفت!

وضع ناگوار که در درون جنبش خارج از کشور پیش آمده محصول همین فعالیت خرابکارانه روزیونیست ها است و چنانچه سدی در برابر آنها ایجاد نکرد آنها را در پیش بردند. هدفهای ضد انقلابی خود چیزی تر و گستاخ تر خواهد کرد امروز بر کسی پوشیده نیست که شاه ایران از جنبش جوانان نزار از کشور بندرت ناوازی است. فقط این جنبش است که از روی جنایات و خیانتها روزیونیست ها را رزمی برده بر می دارد و تمامه و متاعه: تا زخم خلیق های ایران نهد متکار امپریالیسم و پیوسته امپریالیسم آمریکا همه جهانیان می نمایاند. اگر امروز شاه پیوسته ای که گام میگردد با نفرت و خشم توده ها مواجه میگردد... این نتیجه افشاگرایی جنبش خارج از کشور و پیوسته کف راسیون است. هرگز توده و لنینیست ایران مبارزه و از آن میسر تضعیف کف راسیون که بر اثر خرابکاریهای روزیونیست ها تا سرحد انجذاب می تواند پیش رود رضایت عمیق شاه را فراهم خواهد ساخت. شاه خود هم اکنون تنها دست نیکخواه ها و لائیک ها بر علیه کف راسیون و جنبش انقلابی خارج از کشور توطئه می چینی.

درباره... بقیه ارضه ۱
برکت و تولید و توزیع تراب کنترل باز... پس چگونه همه ساله از ایران مقادیر زیاد هروئین به آمریکا وارد میشود. مقامات آمریکائی بارها متذکر شده اند و روزنامه "لوموند" نیز نوشت که "قیمت اعظم هروئین که بطور قاچاق وارد آمریکا میشود از ایران و ترکیه است." (۴ ژوئیه ۱۹۷۴). منظور مقامات آمریکائی و "لوموند" اینست که قاچاق هروئین از طریق ایران صورت میگیرد و منظور هروئینی است که در ایران تهیه و پیوسته از طریق فرانسه به آمریکا میرسد.

در اینکه دربار و دولت ایران بر کت خشنان کنترل دارند تردیدی نیست و همین جهت خود آنها به تولید و قاچاق هروئین می پردازند و لابد این قاچاق را هم از طریق چند نماینده دیپلماتیک که از هرگونه کنترل گمرکی معاف اند انجام میدهند. به این ترتیب قانون مجازات اعدام بسری قاچاقچیان مواد مخدره بخاطر این نیست که از اعتیاد و استعنا این مواد جلوگیری بعمل آید، چنانکه بعمل نیامده است بلکه بخاطر آنست که تهیه و توزیع این مواد در انحصار دربار و در حیطه عمل دربار بماند.

لیسم است... در سوا استفاده از شعارها و مفاهیم سوسیالیستی است. نام سوسیال امپریالیسم هم از همین جا برخیزد. برخی چنین می بیند از آنکه که فیضیال امپریالیسم در ماهیت خود چیزی غیر از امپریالیسم است و عنوان سوسیال - امپریالیسم را نیز مال بر آن میدانند و بر دنبال همین بند از به آن مانند امپریالیسم آمریکا نمی نگردند. احزاب خاصی برای آن باز میکنند. این خطای بزرگی است. امپریالیسم شوروی بهمین علت که با شعارها و کلمات و عبارات سوسیالیستی بسته میدان میاید خطزن آن است و نباید ماهیت واقعی آنرا افشا کرد و توده ها را از افتادن در دام آن بر حذر داشت. تلخ ترین روشن است که انجمن و انجمن های اشتراک لیسم و مرحله عالی سرمایه داری فقط سفسطهای برای گمراه ملاحظین مبارزان انقلابی است.

و به صلحت و تقویت این سازمان نبوده است. روزیونیست های ایرانی سالهاست کوشش جبهه امپریالیستی شوروی را پوشانند و کشور شوروی را کبوری سوسیالیستی بنمایانند و در نتیجه توده های مردم و پیوسته طبقه کارگر ایران را فریبند و بدین نایل خود بکشانند نتیجه که بر این امر متذکر میگردد از هم اکنون آنچه این رژیم ایران را چشم را میزند. نسخه این خواهند بود که انقلاب ایران راه کج خواهد رفت. شرارت انقلاب بجای آنکه نصیب توده های مردم شود بدست روزیونیست ها خواهد افتاد و بدین نایل آن یا خضره با آن امپریالیسم شوروی تر میهن ما مسلط خواهد شد و دوران اسارت نازهای برای خلق های ما آغاز خواهد کرد بد تا مومنی که حزب توده ایران حزب طبقه کارگر بسود جبهه ملی بخلط در همه حال دعوت حزب توده را به اتحاد مبارزه علیه دشمنان خلق رد کرد. بعد هم که این حزب به آرمانهای طبقه کارگر نرسد یا زنده همبر که روزیونیست ها دست خود را بسوی وی دراز کردند بحق دست رد بر سینه آنها گذاشتند.

"جبهه ملی" سیاست شوروی را لاقط در مورد ایران ضد انقلابی و ضد سوسیالیستی میدانند و خود او از این پیش قدمان طرح نخستین خطبنامه های گفتار راسیون را اثر بسته منظم کردن سیاست شوروی نسبت به ایران بوده است. اکنون خطبنامه که این واقعات همه بدست فراموشی سپرده شده است؟ آیا "جبهه ملی" شوروی نمی بیند که تغییر موضع خود را بداند که در برابر افکار عمومی بگذارد! -

"جبهه ملی" اکنون زبان مشترک خود را با روزیونیست های صحت بر سر مسئله بی اهمیت نیست. بر لزوم ستلای اینست که با شیخنیوهای انقلابی بر ارتباط است. آیا "جبهه ملی" که نمیکند که باید موضع خود را در مقابل امپریالیست برای نیروهای انقلابی روشن سازد؟ بد اینکه "جبهه ملی" در این امر معترضه تفاوت علوی بگذارد چرا از اینکار طفره میزند؟ بیشری روزیونیست ها بهمین تمام معشود و کف در استیاد دانشوران ایرانی که پیوسته بحق روزیونیست ها را عناصر ضد انقلابی و اختلاک و مد افغان رژیم شاه و دشمنان سرخ کینه راسیون و شیخه معرفی میکرد. اکنون از یکی از اعضای کمیته مرکزی "آن با عنوان "فرزندان خلق" نام می برد. بنام کسکه در باره ای موارد از فرزند آن واقعی خلق در بیخ دانسته است. کف راسیون در اینجوریا همان عنوان آب تطهیر بر سر همه اعضای "کمیته مرکزی" ریخته است. در درون "کمیته مرکزی" ممکن نیست یکی از اعضا "فرزندان خلق" باشد و دیگران خاندان به خلق. خاندان خود آن "فرزند خلق" را بیرون خواهند راند. در واقع هیچ تفاوتی در ماهیت امپریالیسم آن فرزند خلق و دیگر اعضای کمیته مرکزی در میان نیست. در مورد سته کمیته مرکزی تا کسی را معترض خود انداند و تارصایت خاطر ایمان شوروی را بدست نیآورد. وی را به عضویت "کمیته مرکزی" توفیق نگارند. هیچ بهانه ای پیوسته از یکی بزرگ و بی روزیونیست ها باشد توجه کننده این عنوان نیست.

بنام "جبهه ملی" است نتایج نامطلوبی که "زبان مشترک" با جبهه ملی و بار آورده است. روزیونیست ها بپهلوی میای میگردند. تلاشهای مذبحانه آنها مانند تلاشهای همه نیروهای ضد انقلاب در تمام اعصار تاریخ محکوم به شکست است و این حکم تاریخ است. سیاست سازمان ما همیشه "جبهه ملی" را متابعه نیروی انقلابی ایران ششخته و با همین معیار با "جبهه ملی" رفتار کرده است. "جبهه ملی" خود بهترین شاهد این مدعا است. سازمان ما طی سال گذشته پیوسته از اتحاد همه نیروهای خارج از کشور برای مبارزه مشترک در جبهه برنامهای مشترک دفاع کرده و همه را به موضع گیری در مقابل آن و گوش برای تحقق آن فراخوانده است. سازمان ما انتظار دارد "جبهه ملی" از راهی که در پیش گرفته بازگردد و به صف نیرو مبارزان انقلابی بیوفتد. همکاری خود را با آنها نزد یکرو معنی نتازد. "جبهه ملی" را از ادامه این راه بر حذر میداریم چون ادامه این راه یعنی بدوین بار واقعا به ترکتستان خواهد انجامید.

تخمین اینکه جبهه ملی با سوسیالیسم چه رابطه ای دارد

استعمار... بقیه از صفحه ۴
 اما امروز نتوانسته ایم یا نخواستیم این از این منبع طبیعی پر - ثروت پر خیر و برکت استفاده و بهره برداری کنیم.
 روشن است که این خیر و برکت تنها به تخلیخ فبارس اختصاص ندارد و دریاها و دیگر نیز کم و بیش از چنین ثروت بیکاری بهره مندند و اما اگر از مردم سواحل جنوبی ایران برای کسب مواد بیروتنی جز پوست و استخوان باقی نمانده در عرض کشی های انگلیسی ، روس و ژاپنی در دریاها ی متعلق به آنها روزانه دههاتن ماهی و میگو صید میکنند و صد ها هزار تن ماهی سود خالص میبرند . وضع مردم کشورهای پروه آرزوتین و شیلی نیز بهمین منوال است .

و درست بهمین دلیل بود که برهی از کشورهای جهان - سوم که از مانور دانی نارگان های نظامی و جاسوسی قدرت های بزرگ در مرزهای آبی خود و همچنین غارت بی وقفه و روزافزون منابع دریایی خویش توسط امپریالیستها به ننگ آمده بودند ، بد فاع از حقوق از دست رفته خویش برخاسته جستند و توانستند دریایی نسبتاً عادلانه ای خواستار قوری تشکیل مجامع بین المللی کنند .

آخرین اجلاس بررسی قوانین و حقوق مربوط به دریاها که از تاریخ ۲۰ ژوئن تا ۲۹ اوت در کاراکاس پایتخت ونزوئلا و با شرکت بیش از چهار هزار نماینده از ۱۱۱ کشور جهان برگزار گردید بیرون رفتن های بزرگی نصیب آنان ساخت .

بسیاری از کشورهای آسیایی و آفریقایی و آمریکای لاتین خواستار آن گردیده بودند که منطقی از دریاها که در فاصله ۲۰۰ مایلی ساحل قرار گرفته است گلا با اختیار کشور ساحلی درآمده کشی های نظامی و ماهیگیری و تجسس و راهزنان دریایی بر ابدان راه نیابند .

این پیشنهاد عادلانه حقوق همچنان که انتظار میرفت دست خشم شدید و عکس العمل قوی کلیه امپریالیستها و بخصوص در اواسط قدرت آمریکا و شوروی را برانگیخت اما همانطور که سه روزنامه لوموند ۳۰ اوت نوشت :

«چنین تمهید و بیرونتی چنین دیگر کشورهای جهان سوم نتوانستند اتحاد آمریکا و شوروی را در هم شکست و آنان را تاخت قبول نظریه از ارجحیت کشورهای ساحلی بر آسوسر دربار... بقیه از صفحه ۴

در تاجاق و نظارت بر کشت و خشک شدن دربار ایران از یکسو تهیه و توزیع و تاجاق مواد مخدر و رانحصار خود میگیرند و از این همز همسایه سودهای کلان بدست میآورند از سوی دیگر مبارزه با تولید و قاچاق مواد مخدر قضاوت میکنند و قاچاقچیکشی خود را در نیست پرده همین تظاهر می پوشانند ، در داستان دزدی است که بنا فریب آبی زرد شد دزدی خوب را همچنان میدارند و بالاخره از هم دردی ناگوار اینگونه جوانان شیون مارا به اغمازه به سود مخدر به نماند و تها می کشند و آنها را به انباشتن برت از اجتماع و علاقه به بیرون رفتن میهن و برود میدارند بخردند و بدین آنجیزی است که آزوری شاه و حامیان امپریالیست و ای استعمال مواد مخدر در ایران روز بروز رواج بیشتر می پیدا میکند ، جوانان بیشتری در زمره معتادان در میایند .

وضع آنقدر وخیم است که کجای دنیا در نگیرد ، جوانها را از نیمه راه اعتیاد بازگردانند ، و مستویله از هر روز جوانها با سهولت بیشتری به مواد مخدر دسترس پیدا میکنند (کجای درک نیست ۲۵) . هم اکنون در بعضی ریه ارض شهر ایستعمال مواد خمشی مانند ممالک توسعه یافته وجود دارد (اطلاعات ۳۰ اردیبهشت ۵۳) .

بسیار آزارهایی که بر پژوهش در این زمینه بدست آمده و معلوم میشود که ۷۳ درصد بچه های ۱۰ تا ۱۵ ساله در این طایفه های هستند که در این طایفه ها ۷۰ درصد با طریقه ایستعمال خمشی آشنا هستند و حدود ۶۰ درصد نیز با دست کم یکی از مشتقات تریاک آشنا هستند و تقریباً همه ی نوجوانهای ۱۰ تا ۱۸ ساله طرز استعمال تریاک را بلدند ۸۳ درصد با خمشی ۶۶ درصد نیز طرز استعمال سایر مشتقات تریاک را میشناهند (اطلاعات و خبر ۳۰ اردیبهشت ۵۳) و حشاک است هوزید اخوند اعتراف میکند که فقط طی ۳۰ سال گذشته یعنی به برکت رژیم کور تا اعتیاد به هر دو کین در میسان جوانان این کشور ظاهر شده است و این حقیقتی است آنچه

بیریز ۰۰ بقیه از صفحه ۴
 خلق قهرمان طقار همچنان ادامه دارد . شاه پیروزی برق آسا را از سر بدر کرده است جنگ طقار برای شام خصلت جنگ طولانی خود گرفته است و طقار برای آنکه مناطق آزاد شده هرچه بیشتر گامش بپندد شاه در پی آنست که این را از سکه طاری گرداند . برای نیل باین هدف جنایتکارانه او در نظر دارد با مبارزات هوایی همه سواحل زندگی را از مردم این مناطق بگیرد . آماج بمبارانهای هوایی زنان و کودکان بیگانه ، مزارع و کوهستان ، دهات است ، جامه های آب است ، کله های احتشام و افتخام است ؛ ارتش ایران هر نظای را که بصرف در میاور در آن همه چیز را نابود میکند بیرونی آنکه ارتش آزاد بیخشن نتواند دوباره در آن مستقر گردد . ارتش ایران مناطق آزاد شده را در محاصره گرفته تا از ورود دابو و مواد خوراکی به این مناطق جلوگیری . در واقع شاه همسان شیوه های در متشانهای را که امپریالیسم آمریکا در دست نام بکار برد و بر سر انجام خود از پای برآمد بکار میبرد ، نابود فرمایم!

ماهگیری و بهره برداری از منابع دریایی تا شمع ۲۰۰ مایل - کز مانی حتی حاضر میباشند نیز نیز میزبانند ، بدین عقب نشینی مجبور نمود ، روشن است که از ارجحیت کشورهای ساحلی در امرای

گیری و بهره برداری اقتصادی ، که امپریالیستهای آمریکایی و سوسیالیست امپریالیستهای شوروی بخم اجبار بدن گردن نیامده تا " حقوق کامل و منحصر بفرد کشورهای ساحلی " که نمایندگان چنین ، بیرو و نیز از این غلبه الجزایر و کنگو نجریا ، و بسیاری دیگر خواستار آن بودند ، فاصله فراوانی برجایست و امپریالیستهای جنوب تا بدینجا خواهند توانست نیازهای نظامی و اقتصادی و تجسی خود را در سواحل دیگران بچرکت و آورند و ایاتوس ها و دریاهای متعلق به همه بشریت را به زیاده دانی خویش بدل نمود از مازاد سلولها و کارخانجات ، مواد نفتی و راد یواکیف و سوم کونگون نظیر چوبه و تیتان اینهاست سازند و تعادل بپولوتیک و حیات ماهیا و وجودات زنده آرا برهم زنند .

اما از آنجایی که خطری که از جانب آنان دریاها را تهدید میکند آنچنان عظیم و وحشتناک است که در تصور نیز نمی گنجد بی شک بزودی اکثریت عظیم سکه کشورهای امپریالیستی را نیز به فکر فرو خواهد برد و باقیام واد از خواهد نمود

کار رواج اعتیاد به مواد مخدر در ایران با پشت قدر بسیار و دولت صورت میگیرد - بر شاه - دولت و سازمان امنیت و پلیس ایران مخفی نیست که از نشت نشینی ها و مهمانی های رنگارنگ اشراف و صاحبان نفوذ ، بساط در د و م با منظر های مجلل ، با انواع فرهای سمین و خنده های بزاز بر قو "عشراه می اوفتد . مطبوعات متذکر میشوند که این تازه به دوران رسیده تریاک کیدین را - هله اول میکنند ، عده ای هم که میخواهند از دل و دودم آنها خود را برنگار نگاه دارند - چون آنها حساب میلند ، در مقابل اصرارشان بالاخره تقسیم میشوند (۲) اطلاعات ۱۷ مرداد ۵۳)

اما " قهرمانان " مبارزه با مواد مخدر چشم خود را به روی این مراکز اشرافی نماند نمی بندند و این مراکز را در انشاه استعمال تریاک و دیگر مواد مخدر آزاد میکنند . سازمان امنیت که در تعقیب تریزها عناصر شرقی اینهاست در تلاش بخرج میدهد چگونه دست این مردمان را در کار رواج اعتیاد مواد مخدر باز میگذارد ؟ آیا این چشم پوشی عده ای ذلیل برای این نیست که ولتوس سازمان امنیت خود را این کار نشاید ؟

با این ترتیب روشن است که اقدامات بیرونی ای اخیر دولت برای جلوگیری از رواج مواد مخدر از طریق نظارت بر توزیع و در زمان معتادان چیزی جز ظاهر سازی بمظهور تبلیغات نیست . مطابق آمار رسمی - که البته برعکس کشور از واقعیت است - در ایران در حدود شصت هزار نفر مشغول معتاد به مواد مخدر (تریاک ، قهروئین ، خمشی) اند اما برای معاینه هر هزار معتاد فقط یک دکتر در تریاک و چوب دار و شاهی که میلیارد ها دلار در پای سرمایه داران بزرگ خارجی میروند و آنها را از مشکلات اقتصادی میزبانند گویند برای چه بیچارگان برای درمان معتادان بود جای نقد اولی اعتیاد روز افزون مردم میهن ما به مواد مخدر یکی از ارمغان های تکت باز دودمان پهلوی است . در زمان آن نیز از راه سرنگونی این دودمان تنگین میکرد .

علیات ارتش ایران چشم پوشیده خلق طقار را از جنگته و آنها را در مبارزه با خطر بیرون رانیدن ارتش های اشغالگر مصمم تر و استوارتر گردانیده است . نیروهای آزاد بیخشن و راهبند ازین ارتش ایران را الحظای آرام میکند ، آنها را از حلقه فرار میدزدد و بر آنها تلفات زیادی وارد میاورند و کشته شاه دربار آنها هیچ اطلاعی میدهد . مطبوعات جهان و بیوزه مطبوعات غرب نیز در باره جنگ از این سخن طقار سکوت کرده اما خلق های انقلابی جهان همه از جنگ عادلانه بیخشن طقار صمیمانه پشتیبانی میکنند . همبستگی نیروهای فدائیان سراسر جهان در همجا و در همه حال بدرقه راه ارتشش تودهای طقار است .

خلق طقار از همبستگی و پشتیبانی صمیمانه خلق ۸۰۰ میلیون چین برخوردار است . بقوی که صوت الثورة نشریه چین تودهای آزاد بیخشن طقار میبوسد ، روز ۹ ژوئن ، ستا ، نهمین سالگرد آغاز انقلاب عوام مشاور سیاسی جمهوری تودهای

چین در جمهوری دموکراتیک تودهای چین به ملاقات نمایندده " جنبه " آزاد بیخشن طقار رفت و سلامهای خلق و دولت چین تودهای را به خلق عوام ابلاغ کرد ، ستایش خلق و دولت تودهای چین را از مبارزه قهرمانانه خلق طقار و از نژاد صمیم تودهای توطئه های که علیه بیگار خلق طقار و انقلاب یو چیده میسرود بیان داشت و افزود : " ما خوشنودیم از اینکه به این مناسبت احساسات صمیمانه خود را بشما ابراز داریم و تحکیم صمیمانی خلق و دولت چین تودهای را از جنگ تودهای در جهان و همبستگی خود را با انقلاب شما باز یادگردد کیم

(صوت الثورة : ژورنال انگلیسی ۱۰ ژوئن ۵۳)
 اتحاد شوروی و ستون پنجم آن در کشورهای مختلف و از آنجمله رژیم تریت های ایرانی بر اساس طبق ویرانگره چنین در ایران با وقاحت و بد زود فریاد برآوردند که جمهوری تودهای چین گویا همبستگی و پشتیبانی خود را از خلق طقار باز پس گرفته و به نجات شاه به عمان با دیده تامل میگرد در حالی که در طبق رژیم خرابه چین کوجکین گله با عیارت یا حتی اشارتی دال بر تائید تجاوز شاه علیه عمان نیست . ایران همبستگی نمایندده جمهوری تودهای چین با خلق طقار بیگار دیگر مع این روزگاران را باز میکند .

خلق های ایران همبستگی عمیق و برادرانه خود را نسبت به خلق قهرمان طقار پیوسته ابراز داشته و میدارند . این همبستگی تنها ناشی از مبارزه خلق ها با خاطر آزادی و استقلال است بلکه بخاطر آن نیز هست که خلق طقار و خلق های ایران هر دو در سنگر واحدی علیه دشمن مشترکی میروند ، علیه محمد رضا شاه و قاپوس این تکرار است امپریالیسم برادرانه به مبارزان در نظر طقار درودی فرستیدند .

از این که خلق رژیم مشکلات و ضایع فراوان آنکه از این خمیروز بیرون خواهد آمد خلق طقار است . غرضگشایی خیمه ست بازی نظیر شاه ایران و قاپوس نباید به زوال آنان تا به دست نشوند و ریخته خواهند شد .

خلق قهرمان طقار بیروز است !

بیمارستان بدون پوشش
 تود های بیکه بیکه میلیون تومان سرمایه بگداری بصرف وقت بسیار امید و آرزوهای مردم بیمارستان مجنون و ن پر شک اشتیان شاید باور نکند ولی شرح ماجرا از آنرا کردار شگرفی است که با این دستنوید چنین است : آن " بیمارستان بیکه میلیون تومان اشتیان در بیکه اشتیان از کسایشان میگردد حتی با همه آزار همبستری نکرد است !

عنوان کتابخانه
 X DR GIOVANNA GRONDA
 87030-ARCAVACATA (CS) ITALY
 حساب بانکی
 X DR GIOVANNA GRONDA
 CONTO: 17549/H
 CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
 MILANO, ITALY

سلام برادرانه ما به زندانیان سیاسی!

پیروز ، خلق قهرمان خظار

کلمات و عبارات در دهان شاه مفاهم واقعی خود را از دست می‌دهند . هیچ گفته شاه نیست که منطبق برواقیت باشد او بطور وحشتناک دروغ می‌گوید و دروغگوئی را تا مسر حد اصلی در پاپیت باخلی و خابرجی بالا برده است . شاه موعظه میکند که تجاویز برای هیچ متجاوزین نیست و بهترین روح تجاویز از بین برود (که چنان) و شنبه یور (۵۲) اما خود او نه تنها روح تجاویز را در خود نمی‌کشد بلکه دیری است که کشور کوچکی که خلق آن برای یاره گردن و بد و از دشمن زنجیرهای اسارت پیا خاسته تجاویز کرده است و با آنکه می‌باید و می‌بندد که ارتش دولت تجاویز جز نکرده است جز تلفات هادی و معنوی ارمغانی ندارد . بیاز از تجاویز در دست نمی‌کشد . سهل است واحد های تازه و تازه‌تری از ارتش به کشور مورد تجاویز ایزام بیدار .

حنگ تجاویز کارانه : شاه علیه خلق قهرمان خظار همچنان ادب دارد . اگر در آغاز شاه بر آن بود که ارتش ایران فقط ظرف یک هفته منطقه آزاد شده خظار را از دست ارتش آزاد بخشد بیرون خواهد کشید و اکنون دیگر حقیقت گرفته و بیس سکتور بر نگزده است . او بر ایلمین می‌بندد که هفته ها ماه ها می‌شد مانند تلفات سنگینی بر ارتش ایران وارد آمده و ننگ ورسوا همه جاید رفته شامتاجوار کاراستولی خلق خظار همچنان با بیخ است و منطقه آزاد شده همچنان در دست ارتش آزاد پیچش باقی بطوری که فرمانشال تا نیز انگلیسی می‌نویسد : سپهرهای آبروی در نزدیکی شهر شریط در مواضع در قریه قرار گرفته اند و اکنون متحول ساختمان برود گاهی هستند برای آنکه هوایماهاو فانتوم که شاه بزودی به عمان خواهد فرستاد بر آنجا فرود آید . جنگ تجاویز کارانه شاه علیه بقعه در صفحه ۳

استعمار دریاها و حبهٔ متحد دو ایر قدرت

دریاها و اقیانوس ها دریای عظیم از منابع معدنی و نفتی و انرژی را در دل خود جا می‌دهند . ظرفیت برخی از معادن موجود در اقیانوسهای دریایی را تا ۱۵۰ برابر معادن مشابه در سطح کره زمین تخمین می‌زنند . بموجب آمار سازمان ملل تنها در سال ۱۹۷۲ بیش از ۶۵ ملیون تن ماهی از دریاها صید گردیده و متجاوز از ۵۱ درصد نفت دنیا در اقیانوس خشکی تولید گشته است . ذخایر طبیعی موجود در پنج قاره عالم بسرعت رو به پایان است و تا ۱۰۰ سال دیگر احتمالا یک قطره نفت در خاک پیدا نخواهد شد . انواع فلزات نیز در آینده های نرسه چندان در نور بکل نایاب خواهد گردید . بدین سبب استیحا که ثروت های مورد نیاز آینده انسان را باید در اقیانوسها و اقیانوس ها جستجو کرد . حتی برآورد های محافظه کارانه موجود نشان می‌دهد که ثروت های زیر دریایی برای ادامه زندگی انسان مقیدن تا ۱۰۰۰ میلیارد سال در کفاتی خواهد بود . پیشرفت های وقف تکنولوژی و کرائی روز افزون مواد نفتی و معدنی سهمیه دریاها را در تولید مواد فوق سرعته افزایش خواهد بخشید .

روشن است که گنجهای افسانه ای و نفتی دریاها هرگز نمی‌توانست از یادیدگان ، حریف و طامع ابریزالینستهای گوناگون و بویژه در افریقا ، آمریکا ، شوروی در امان بماند و اشتباهی شهربانان پذیر آنها را بر نیاگردید و بدین ترتیب بود که کشورهای غربالیستی و وابسته قدرت متجاوز که از خشکیها نیز پیش ازین پیش رو انده می‌گفته به یکباره بشور استعمار قاره . این جمعیت ششم روی نهاده و شوروی فاشیستی در قریه های آراینده تیا برای دیگر هر که روزین پیش شهنش بیشتر را که بازمانده تاراجگران برتغالی و انگلیسی تنده های ۵ تا ۱۶ بشمار حرکت ایزون میان آوردند . با تاراج گانهای نظامی خود را آزادانه در سر راه های جهان بحرکت در آورده کشورهای کوچک و ضعیف را متوجه حمله و تهدید مداوم قرار دادند و از شوروی دیگر یک کشتی

های غول پیکر ، لوازم مدرن و تکنیک قوی خوش در سواحل دریگان به صید ماهی و دیگر قاره های دریایی مشابه پرداخته ، به تازگی برداری از ذخایر کربنهای کف دریاها را نیز که در آینده های نزدیک امکان پذیر خواهد شد پیشاپیش با مختصراً تر آرند .

روزنامه بیک خجسته ۱۸ اسفند ۴۹ موردی از اغارت و صید بیرویه ماهی و میگو توسط امیرالینستها در خلیج فارس را اینطور بیان میکند :

برای اینکه اهمیت اقتصادی صیادی میگو و ماهی در خلیج فارس نشان داده شود باید بگویم که حرکتی صیادی در ۲۴ تا ۴۸ ساعت بین ۳ تا ۵ تن میگو صید میگردد و هر تن میگو سرگنده و بیخ زده از ۲۵ تا ۳۵ هزار تومان تحویل خلیج فارس شبای کرایه کشتی و حق بیمه معامله میشود . کمیاتی صیادی را در کربن انگلیسی و میگو و دیگر کمیاتی صیادی را به روسی با تعداد خیلی زیاد میوتور لنس و چندین کشتی بزرگ بنام مادر به بسته بندی و بیخ زدن میگو و میگو در دریا اشتغال دارند ، غالب کشتی ها برای خود مرز و حدود و شعوری نمی‌شناسند و همه جا به صیاد فعالیت صیادی میوز آرند منابع دریایی خلیج فارس و دریای بحرآن ثروت بکر لایزال آن ثروت عظیمی است که بعد از آن ثروت نفت در اقط و عایدات هنگفتی دارد . بقعه در صفحه ۳

وطن فروش کیست ؟

شاهی که میسر زمین بیمن مارا مانند قالی بهبارستان قطعه قطعه کرده و هر قطعه را به بیگانگان فروخته است ، شاهی که در مسافت های خود قطعه ها را دلازا پول تفت را بیکجا معامله میکند ، گارنوس و طلا و نقره ، لوزانوم و کرمیت را با تخفیف های شایانی به ازانایان گوناگون خود از امریکائی و روسی گرفته تا آفریقای جنوبی و اسپرانیالی می‌فروشد و توماو بازنده شاهی حق دلایلی میگوید .

شاهی که ثروتهای گرانمای ملیت و جا حیل دسترنج خلق زحمتکش بیمن مارا با خرید اسلحه ، بنجله ، پروید روماتیکه ، ریش و سبیل مصنوعی ، لباس های پزیز و برق و غذای کریستال مشروبات خارجی ، ویلا و ساختمانهای بزرگ و سهام کارخانه در اروپا و آمریکا بر باد می‌دهد .

شاهی که هزاران کارکنانش آمریکائی و اسپرانیالی را با حقوق های گزاف جهت ایزاره ارتش و سازمان امنیت بمظهور کشیدن کارزار کرده ، کارگران ایرانی و حفظ سرمایه ها و زمین ها و کارخانه جاستغلیق به خود و جانوده ها و اربابان خارجیتر استخدام کرده و بر برهان و مال ، مفسوظنان نامسلط نبوده است .

شاهی که بدستور مستقیم اربابانش هزاران جوان ایرانی را در راه حفاظت و نخت سلطان یوسیده ، عاقل و دور از یکجانه و کیشانه خود بکشش میدهد .

شاهی که خود و خانواد هاش ، رومای و کلام و راجه لسه اطرافیان ، بنفخیا و پرگزیده اش در لیجن رار عظمی از خیانست و پزیزی و خیانست و سبابا و کلامی ، قاجاقچیکری و زشوه و تجاویز به جان و مال مردم غوطه میخورند .

شاهی که پیش ازین هزارتن از بهترین فرزندان خلق ایران را در بهانه جالبه قرون وسطائی مجبور به بند کشیده ، اول از شکنجه زنان و کودکان نیز فرودگ آرمی کشد ، شاهی که سی ، ملین ایرانی ، کارگر و دهقان ، پیشرو کارمند ، بازاریابی ، رن ، موب و توبر و جوان را بحاک شاهه نشانیده و کشور مارا به تسلک عظیم بدین نموده و بهر فراز آن خشنک های خون ، بیا میگو و بدویدادوش اربابانش تقبیه ، شکنج سزیده هد ، در آری خجمن ادا اشجوبان ایرانی ، نر ناخالص و بخارت کشور را که مشت او را باز کرده ، هر چیزی که خجمن بنگار او را بر جهانیان نمایان ساخته ، با غدارک و دلیل رشو و اکتیو کرده و وطن فروش میخوانند .

ملنگد اشجوبی ایزانی خالچ از کشور در جوانی مانسته بهر رش که قریب دراد بیوها و روزنامه های شاه را بخورد و فرزندش را وطن فروش نامید و بدین معنوسه ، اول از راه خالی و بدین بفرم میگوید راست میگوئی ، و من وطن فروش باشم ، به من بگو چه چیز را بفروشم ، آیا دیگر چیزی برای فروش ماند ؟ است ؟

... نمونه ای از تربیت نسل جوان شوروی

دختری هشم ۱۷ ساله با مساقاتی زیبا و خوشترانش ، از مینی زوبی بدین تجوشم میاید . شهاد روز نامه خود جوانی ورا کنه در باغ ملی برسه میزنند . بهاد انتقاد گرفته اید . بد نیست به اندک که این نامه را یکی از آنها برای شمای بوسید . من دوست دارم بهنگام شب بجهت تفریح و گردن از منزل خارج شوم و بهرهای جوان را درین و دل ، بهر بایم . وقتی که این احساس شما دست بردار که مورد نیاز دیگران قرار گرفته اید زندگانی برهتان جالب تر میگردد و در غیر اینصورت به مفهومی بیخ و تو خالی بدل گشته و به زنده بود تن نمی آرد . شما در مقاله خود خاطر نشان ساخته بودید که من توان با کار و تحصیل در بخش کردن و پیشاپیش حق پسا شما باشد اما خود مانیم این که دیگر زندگی باشد .

من معتقدم که می باست زندگی باغ و سوزانی داشت تا جائیکه میتوان کام برد و کام گرفت . هر چه بیشتر به باغ ملی رفتی و در سایه درختان آن به معاشرت و قدم زدن بر درخت ، همان جایی که بقول شما جوانها چنین میگویند ، عشق میوزند ، تیا بیگانه و دست می افشاند ، آراز میخوانند و آهنگ می نوازند . این تنها زینت ها هستند که بهجت حیات خود موافق دیگران را بیدار تبت و افترا میگردند . آدرس من ؟ آه شما نامه مرا چاپ کنید . زبان حال همه است .

حتما تصور کرداید که این نامه را یک دختر " نین ایجر " از لندن و مسافرانیسکو یا ایسترام نوشته است یا آترا از زن ، زن ، زن برایتان نظر کرده ایم .

از سه اشتباهی که در این نامه است که در روزنامه کوسمولکا با ابروک ارگان جوانان " کومینست " شوروی درج شده است ، اول آنرا چنین است : اندیشه و عمل از تربیت سوسیالیستی می تراود . آری این دوینتی جامعهای نیست که زینتی آن در ازای خطی سرمایه داری است ؟ دوم آنرا اینست : سوسیالیسم در اتحاد شوروی در زمانی که امتالین بزرگ رهبر خلق و آموزگار جوانان شوروی بود در بهترین قهرمانی عایند . زوسا کاسا هیناسکیا تربیت می یافتند که برای دفاع از همین سوسیالیستی خود و راندن اشغالگران فاشیست و از زجر و شکنجه و اعدام بی بی بدل بران بین ایدادت قهرمانانه بیای با در میرندند و جان خود را برای نجاتی ارضشای سوسیالیستی میباختند . سوسیالیسم اتحاد شوروی جوانان را مانند هیوا و گروزه " کاره جوان " پرورش میداد . و این پرورش میداد در انطباق با ماهیت سوسیالیستی کشور و شرایط شوراها بود .

امروز هم تربیت جوانان کشور شوروی در انطباق با مضمون جامعه شوروی است . تربیت نویسند نام فوق که نماینده نسبیال جوان شوروی است ، پرورش ندادی و بهر کوشش جامعه شوروی از چه قاشی است ؟ آیا این شیوه تفکر نمود آروینی آیدامیک زینتی اقتصادی و سرمایه داری منطبق نیست ؟ آیا چنین شیوه تفکر منطقی در جامعه سرمایه داری منطبق نیز منطقی نیست ؟ چه ایدان نیست ؟

آری آنجا که جوانان با اندیشه های مارکس ، انگلس ، لنین و استالین و مائو تربیت میشوند بخورشید هجوم میآورند و همچا بدین بین فیر اسپتالیکرد میباشند . راه بزرگ می بینایند و پشت نیرومند ترین امپراطورهای جهان را به لرزه در میآورند . زینت و جوانی خود را در خدمت بوده های محروم خلق مینهند و مرگ در راه آزادی و سرایدنی کشور خویش را بالا ترین هدف و افتخار میبندند . آری اما آنجا که به افسون نامشکالی تقلید غرضگش و بزرگوار مینایند ، مقصدی ندانسته زندگی خود را بیخ و بر جا حیل ا ندانسته و با هرزه ترین همی های لندن و نیویورک مسابقه می گردند !

پیروز باد مبارزهٔ آزاد یمنخش خلق فلسطین !